

آینه‌ای‌تار

فصلنامه فرهنگی - خبری

شماره ۵۲ - بهار ۱۳۹۹



معاونت فرهنگی و اجتماعی
مدیریت امور شاهد و ایثارگر





آینه‌ایثار

فصلنامه فرهنگی-خبری
شماره ۵۲. بهار ۱۳۹۹

صاحب امتیاز: مدیریت امور شاهد و ایثارگر دانشگاه شهید بهشتی

مدیر مسئول و سردبیر: زهرا رحیمی

گرافیک و صفحه آرایی: مریم اصغری

تحریریه:

اعظم شیرازیها

فهیمه سعیدی

مریم حکمت پور

نگین علی نقیان

شهلا علیه پور

همکاران مهمان:

سید مهدی طباطبایی و شیما جابز

✉ shahed83@sbu.ac.ir

🌐 www.sbu.ac.ir/shahed

☎ ۲۲۴۳۱۸۸۳

🖨 ۲۲۴۳۱۸۸۴

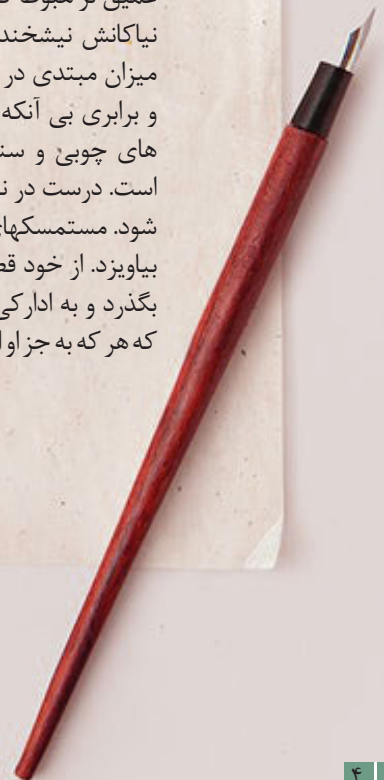


الهی به برکت متحیران جلال تو و
به برکت مقهوران قهر تو که ما را به
صحرای هدایت آری و از این وحشت
آباد به روضه اقدس رسانی.

«خواجه عبدالله انصاری»

سرسری

سالها از سیطره طبیعت گذشته است و انسان قدرت بلامنازع جهان هستی، بعدهای حیات را در اختیار گرفته است، زمان را و مکان را. اما هنوز وحشت تنهایی و رهاشدگی بیماری مرموزیست که این ابر قدرت جهان آفرینش دارویی برای درمانش نیافته است. به قدمت عمر زیسته بشریت، انسان در باتلاق این واهمه دست و پا زده است و به هر آنچه که توانسته است متوسل شده است تا خود را نجات دهد. اما به راستی که او همیشه با طنابهای پوسیده خود بافته، به چاهی عمیق تر هبوط کرده است. هرچند ظاهر متمدنش او را وادار می‌دارد به راه‌های ابتدایی نیاکانش نیشخند زند. اما او همان انسان مستاصل است با راه‌هایی به همان میزان مبتدی در کسوت آراسته‌ی پیش رفت و رفاه، با زیور مفاهیمی چون آزادی و برابری بی آنکه معنایی از آن بدانند. روزگاری اگر پرستش طبیعت بود یا ساخته‌های چوبی و سنگی خودش، اینک برده و سرسپرده مفاهیم انتزاعی ذهن خود است. درست در نقطه تقابل با رهایی: وقتی که انسان از تمام طغیانهای خود ناامید شود. مستمسکهای سست خود ساخته و خودخواسته را رها کند و به بنیان احدیت بیاویرد. از خود قطع رجا کند، خود و هر آنچه را مربوط به آن است قربانی کند و بگذرد و به ادارگی از نجات دست یابد. و البته که سعادت در فهم یگانگیست که هر که به جز او امید بست، امیدش را ناامید خواهد کرد.



در این فصل

▲ گیومه / شهلا علیه پور

اعجاز عشق / ۷

بهارانه / ۸

رنج انتظار / ۹

پیک امید / ۱۰

دوزخ و درخت گردو / ۱۱

زاهد خیالاف / ۱۳

▲ صندوقچه / نگین علینقیان

گنجشکها بهشت رامی فهمند / ۱۵

دغدغه های یک زن ایرانی در جنگ جهانی دوم / ۱۶

ملکه / ۱۸

▲ قاب باز / مریم حکمت پور - نگین علینقیان

جنگ بیولوژیک / ۲۱

ادبیات دفاع مقدس / ۲۹

▲ شبیه باران / اعظم سادات شیرازیها

شهید مسعود سروش / ۳۲

عملیات فتح المبین / ۳۶

فرهنگ دفاع مقدس / ۴۰

گيومه

شهلا عليه پور

- اعجاز عشق

- بهارانه

- رنج انتظار

- پيك اميد

- دوزخ و درخت گردو

- زاهد خيالباغ

اعجاز عشق

عشق در هر جا که دامن گیر انسان می شود
 اهل عرفان هم که باشد، «شیخ صنعان» می شود
 ای خوش آن روزی که با دل بستنی بی اختیار
 دل بریدن از هر آن چه هست، آسان می شود
 این جهان را قبله گاه دیگری جز عشق نیست
 عقل هم یک روز از کارش پشیمان می شود
 ای که در صحرا شدی و عاشقی باریده بود
 در دل ما نیز آیا فصل باران می شود؟
 من یقین دارم که با زهد و مسلمانی ما
 کفر برمی گردد و چون ما مسلمان می شود
 دور یا نزدیک بودن، رمز قرب و بُعد نیست
 هر که از چشم خدا افتاد، شیطان می شود

سید مهدی طباطبایی

۱- و گفت: «به صحرا شدم، عشق باریده بود و زمین تر شده؛ چنان که پای مرد به گلزار
 فرو شود، پای من به عشق فرو می شد.» (تذکره الاولیاء: ذکر بایزید بسطامی)

بهارانه

شما را نمی‌دانم، اما من بهارهای نزیسته زیادی را به خود بدهکارم.
دیدار با شکوفه‌های درختان بسیاری را به چشمانم وعده داده‌ام.
گیسوانم را مدت‌هاست در انتظار خنکای نسیم بهاری و رقص باد به هم گره زده‌ام.
از چشمه‌ها و رودهای فراوانی قول جاری شدن گرفته‌ام تا مبادا بخشکد رؤیای سرزمینی که در من زنده است.
بسا گل‌هایی که قرار است ساعت‌ها به زیبایی‌شان چشم بدوزم.
چه بشکوه لحظه‌هایی شود هم‌نوازی با بهار.
باور دارم به قدرت زندگی‌بخشی بهار، آن زمان که زمان را نو می‌کند و درختان را پرثمر.
زمستان‌هایی که گذرانده و می‌گذرانیم، هرچند پر قدرت و بی‌رحم، حریف رؤیای بهار و تالُلُ خورشید نخواهند شد.
سوز دی و بهمن کی می‌تواند هم‌اورد طراوت فروردین و اردیبهشت باشد؟
به روزگار پرمالال اکنون قسم که بهار اگر راهش را به دلت باز کرده باشد، هرچند برای ثانیه‌ای، تو بهاروند این فصلی؛ شهروند بهار.
هنوز زنده‌ایم به دم مسیحایی بهار.
هنوز زنده‌ایم.

شیما جایز



رنج انتظار

چگونه باغِ تو باور کند بهاران را؟
که سال ها نچشیده‌ست، طعم باران را
گمان مبر که چراغان کنند، دیگر بار
شکوفه‌ها تن عریان شاخساران را
و یا ز روی چمن بسترد دوباره نسیم
غبار خستگی روز و روزگاران را
درخت‌های کهن ساقه، ساقه‌دار شدند
به دار کرده بر اینان تن هزاران را
غبار مرگ به رگ‌های باغ خشکانید
زالال جاری آواز جویباران را
نگاه کن گل من! باغبان باغت را
و شانه‌هایش آن رُستگاه ماران را
گرفتم این که شکفتی و بارور گشتی
چگونه می‌بری از یاد، داغ یاران را؟
درخت کوچک من! ای درخت کوچک من!
صبور باش و فراموش کن بهاران را
به خیره گوش خوابان از این سوی دیوار
صلای سَم سمنان شهسواران را
سوار سبز تو هرگز نخواهد آمد، آه!
به خیره خیره مبر رنج انتظاران را

حسین منزوی



بیک امید

آید وصال و هجر غم‌انگیز بگذرد
ساقی بیار باده که این نیز بگذرد
ای دل به سردمهری دوران صبور باش
کز پی رسد بهار چو پائیز بگذرد
دل‌ها به سینه گم شود از دستبرد عشق
هر جا بدان جمال دل‌آویز بگذرد
بیند چو ابر گریه‌کنان در رهم ولیک
از من چو برق خنده‌زنان تیز بگذرد
شب چون ز کوی او بگذرم با نثار اشک
گویی ز باغ ابر گهر ریز بگذرد
سوی من آرد ای گل نو رسته بوی تو
هر گه صبا به گلبن نو خیز بگذرد
داغم، ز بخت غیر ولی جای رشک نیست
کز ما گذشت یار و از او نیز بگذرد

رهی معیری (دیوان کامل)

دوزخ و درخت گردو

ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم
وطن من!
ای تواناترین مظلوم!
تو را دوست می‌دارم
ای آفتاب شمالی دریا دل!
و مرگ در کنار تو زنده‌گی‌ست
ای مظلومه نفیس غم و لبخند!
ای فروتن نیرومند!
ایستاده‌ایم در کنار تو سبز و سربلند
دنیا دوزخ اشباح هولناک است
و تو آن درخت گردوی که‌شالی
و بیش از آن که من خوف تیر را نگرانم
تو ایستاده‌ای
پگذار گریه کنم
نه برای تو
که عشق و عقل در تو آشتی کرده‌اند
که دست‌های تو سبز است
و آسمان تو آبی...
پگذار گریه کنم
نه برای تو

که پایان بی‌قراری تو پایان زمین است
 و در خنکای گلدسته‌های تو
 انسان به پرواز پی می‌برد...
 تو را دوست می‌دارم و
 بهشت زهرایت را
 که آبروی زمین است...
 بگذار گریه کنم...
 برای دنیایی که
 با «والیوم» به خواب می‌رود
 و در مه غلیظی از نسیان
 دست و پا می‌زند
 دنیایی که چند صد سال پیش
 قلب خود را
 در سطل زباله «کاپیتالیسم» قی کرده است
 در این برهوت غول‌پرور
 وطن من آه ای پوپک مؤدب!
 مظلومیت تو اجتناب‌ناپذیر است...

سلمان هراتی (مجموعه «از آسمان سبز»)

زاهد خیالباف

آورده‌اند که مردی پارسا بود و بازرگانی که روغن گوسفند و شهد فروختی با او همسایگی داشت و هر روز قدری از بضاعت خویش برای قوت زاهد فرستادی. زاهد چیزی بکار بردی و باقی را در سبویی کردی و طرفی بنهادی. آخر سبو پر شد. روزی در آن می‌نگریست. اندیشید که اگر شهد و روغن به ده درم بتوانم فروخت و آن را پنج گوسفند خرم، هر پنج بزنم و از نتایج ایشان رم‌ها پیدا آید و مرا استظهاری باشد و زنی از خاندانی بزرگ بخواهم، لاشک پسری آید، نام نیکوش نهم و علم و ادب بیاموزمش و اگر تمرّدی نماید، بدین عصا ادب فرمایم. این فکر چنان قوی شد که ناگاه عصا برگرفت و از سر غفلت بر سبوی آویخته زد؛ در حال بشکست و شهد و روغن بر روی او فرود آمد.

(کلیله و دمنه)

نگین علینقیان | صندوقچه

– گنجشک‌ها بهشت رامی فهمند
– دغدغه‌های یک زن ایرانی در
جنگ جهانی دوم
– ملکه

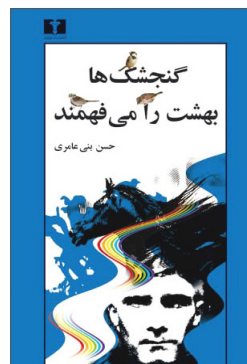
گنجشک‌ها بهشت رامی فهمند

جهانی و... تأکید می‌کند که اتفاقات غیرمترقبه در همه جای جهان امکان‌پذیر است.

اعلیجان اکنون در کالبد کسی دیگر، برای همزمانش تلفن می‌زند و با آنها از زنده بودن خودش سخن می‌گوید. در خاتمه دختری به نام راحله می‌فهمد که نام خانوادگی واقعی او میر معیر است و باید فرزند اعلیجان باشد. داستان با گفتگوی راوی و شخصیت‌هایش به پایان می‌رسد.

بنی عامری وقتی که تنها ۲۲ سال داشت با داستانهای کوتاه بسیار قدرتمند و خوش‌ساخت وارد مطبوعات و به سرعت مطرح شد اما کار اصلی و ماندگارش را هفت-هشت سال بعد با رمان «گنجشک‌ها بهشت را می‌فهمند» انجام داد. این رمان که سال ۷۶ منتشر شد، هنوز هم یکی از آثار شاخص ادبیات دفاع مقدس محسوب می‌شود و نتیجه‌ی کار نویسنده‌ای سی ساله است.

بنی عامری در مقدمه‌ی رمان نوشته‌است «داستان آتشی است که با هیزم تجربه‌های انسانی افروخته می‌شود؛ و نویسنده‌ی این نسل، کوله بارش از این تجربه پر است. او آموخته حتی اگر از آب می‌گوید، آن را عادی نبیند. او آموخته آن را جزیی از خود، جزیی از تو، جزیی از او، جزیی از ما، و جزیی از خدا ببیند. یعنی همان تفکر ماورایی و دست‌یافتنی و شیرینی که جوانان سرزمین‌مان را واداشت اسلحه به دست بگیرند و بروند اول با خودشان و بعد با دشمن‌شان بجنگند. جنگ ما سرشار از این لحظه‌های رنگی و متضاد است و محتاج تجلی. نویسنده کاشف و مخاطب هوشمند، جستجوگران اصلی این کشف و شهوندند»



دانیال دلفام پس از شنیدن صدای دوست شهیدش اعلیجان میر معیر، از آن سوی خط تلفن، به تکاپو می‌افتد. او که خود خبرنگاری رزمنده بوده و پیش از این تصویر شهید را از طریق تلوزیون به نمایش گذاشته‌است، خاطرات، عکس‌ها و فیلم‌های مربوط به اعلیجان را که از فرماندهان جنگ بوده است، مرور می‌کند و بدین طریق از پاوه و چمران جنگ‌های چریکی، از دهلاویه و سوسنگرد، از خرمشهر و شهید شریف، جهان آرا و از فرماندهان جبهه‌های دیگر همچون خرازی، ابراهیم و... یاد می‌کند.

در صفحات بعدی معلوم می‌شود که اعلیجان میر معیر، پس از هفت سال که از غرق و شهید شدنش در اروند رود می‌گذرد، با جسمی سالم از آب گرفته می‌شود. پزشکان با این پدیده که چگونه جسدی می‌تواند در رودخانه‌ای چنان خروشان و پر از کوسه سالم بماند در می‌مانند. عاقبت یکی از پزشکان با ذکر نمونه‌های غیر عادی دیگر همچون زنده ماندن خلبانی ژاپنی پس از کوبیدن هواپیمایش به ناو آمریکایی در خلال جنگ دوم

دغدغه‌های در جنگ جهانی دوم

بر جوامع بشری نازل شد. ایران نیز علی‌رغم دور بودن از میدان‌های جنگ به دلیل موقعیت ممتاز جغرافیایی‌اش، ناخواسته در شهریور ۱۳۲۰ به اشغال متفقین در آمد. از جمله متون به جای مانده از آن دوره آثاری است که توسط دکتر هما امامزاده در طی سال‌های ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۴ به رشته تحریر درآمد. او نخستین زن ایرانی است که مدرک عالی پزشکی خود را از دانشگاه سوربن فرانسه گرفت. دکتر هما امامزاده در ایام جنگ در تهران به طبابت مشغول بود و همزمان مجموعه‌ای از مقالات و داستان‌ها را نوشت.



مجموعه مذکور گویای دغدغه‌ها، دل مشغولی‌ها و ایده‌آل‌های یک زن ایرانی در ایام جنگ است. زنی که از یک سو افق تیره حاکم بر بشریت را مشاهده می‌کرد و از سویی دیگر در اندیشه‌ی وضعیت جامعه و به ویژه زنان کشور خود بود. بخش مهمی از مکتوبات هما امامزاده به بحث در مورد وضعیت زن در جامعه‌ی ایران در ایام جنگ جهانی دوم اختصاص دارد. علاوه بر اشارات و مباحث طرح شده در مورد موضوع «زن» در خلال مکتوباتی که موضوع اصلی آن‌ها پیرامون مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است و همچنین اشاراتی که در خلال داستان‌های چهارگانه، به این موضوع می‌شود، تعدادی از مکتوبات مستقیماً در ارتباط با «زن» و مسائل مربوط به زنان است. سه مکتوب با عنوان مشابه: «زن یا مرد، کدام بهتر است؟» و یک مکتوب با عنوان: «مرد یا زن، کدام بهتر است؟» وجود دارد. علاوه بر آن نخستین مکتوب از مجموعه‌ی حاضر با عنوان «فراق اقدام»، پیرامون وضعیت زنان

کتاب دغدغه‌های یک زن ایرانی در جنگ جهانی دوم از مکتوبات و داستان‌های دکتر هما امامزاده (اسلام‌شناس و نخستین زن پزشک ایرانی در خارج) نوشته مسعود کوهستانی نژاد، مجموعه‌ای ارزشمند از تلاش‌های یک زن ایرانی مسلمان برای بیان دغدغه‌هایش در بحران یک جامعه است. دغدغه‌هایی که نشان از آگاهی و حساسیت بالای او به تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نه تنها جامعه ایران بلکه تحولات جهان در جنگ جهانی دوم است.

دکتر هما امامزاده فرزند سیدحسن قمشهای (هیربد) و از نوادگان میرزا محمد خلیل بن عبدالواسع امام جمعه قمشهای است. وی در شوال ۱۳۲۵ قمری، آذر ۱۲۸۶ متولد شد. محل تولد نامعلوم است. وی یک زن مذهبی و معتقد به باورهای دینی بود.

جنگ جهانی دوم از بزرگ‌ترین بلایایی بود که در تاریخ

درجه اعتبار ملت بیرون (است)، زیرا و کلا را خود انتخاب ننموده‌اند.»

«مکتوبات مذهبی» در فصل دوم گنجانده شده که درباره‌ی ملت خواب‌زده آمده است: «امروز وضعیت کشور ما چون شب و همه در خوابیم. منتظریم کشتی غرق شده را قضا و قدر با وجود سیل و طوفان عالمگیر، به ساحل برساند. بعضی خیال می‌کنند ملت خواب راه، حکومت استبداد، لازم است. گمان می‌کنم به خطا رفته، بیدار کردن ملت یا تعلیم و تربیت واجب و حکومت آزادی‌خواه نتیجه‌ی آن است. البته به ضرب شلاق هر شخصی بیدار می‌شود، مگر مرده باشد.»

فصل سوم «مکتوبات زنان» به مسائل زنان ایرانی دوره پهلوی پرداخته که در سطوری از آن می‌خوانیم: «با کمال تأسف و تأثر باید اقرار کنیم که بعضی مردم مشرق زمینی چون بدون چون و چرا کورکورانه هر چیز را قبول می‌کند، از عالم تمدن عقب مانده‌اند. خداوند متعال کسانی را که تعقل می‌کنند و بدون فکر کاری نمی‌کنند، دوست دارد. قرآن خواندن (و) پی به معنی آن نبردن، غلط است و غرور و خودپسندی که در مردم وجود داشته باشد، نیز عملی است شیطانی که آنها را از خدا دور می‌کند»

«داستان‌ها» در فصل چهارم جای داده شده و مؤلف در ترسیم وضعیت مردم در جنگ جهانی می‌نویسد: «قضیه جنگ جهانسوز ۱۹۳۹ الی ۱۹۴۵ را شرح داد و استخدام مستشاران و آئین‌نامه و نان سیلو و کوپنی و شکر سرخ و نبودن قماش و عده بی‌گناه ایرانی و محروم شدن از حق خود را با یک زبان شیرین بیان کرد و گفت: به خدا قسم که حقیقت است و افسانه نیست.»

است که در سوم مهر ۱۳۳۲ منتشر شد. در حدود دو ماه بعد هما امام‌زاده مکتوب دیگری با عنوان «زن کیست» را به رشته‌ی نگارش در آورد و در ماه‌های بعد از آن نیز، «زنان» یکی از موضوع‌های اصلی و مورد علاقه‌ی او بود که در تقریباً اغلب نوشته‌هایش به آن اشاره دارد. او در یکی از مکتوباتش، زن و مرد را به سان دو پای یک جامعه تلقی کرده و می‌نویسد:

«جامعه دو پا دارد، یک پا زن و پای دیگرش مرد است و چگونه لنگ لنگان می‌خواهید با کسانی که با دو پا راه می‌روند، بروید و آن‌ها را همراهی نموده، یاری نمائید و پای دیگر که زن است قطع کنید. کدام عاقلی بدین عمل رأی دهد؟»

مکتوبات و داستان‌های امام‌زاده تجلی بارز احساسات و واکنش‌های یک زن روشنفکر مذهبی ایرانی نسبت به اشغال کشور خود و مشکلات و معضلات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ناشی از چنین وضعیتی در کشور است. مکتوبات و داستان‌های مورد بحث در واقع بیانگر ابعاد پنهانی از عکس‌العمل روشنفکر ایرانی نسبت به اشغال کشور است.

فصل نخست «مکتوبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی» نام دارد که در رابطه با رویکرد نمایندگان مجلس شورای ملی آورده است: «وای بر آن کشوری که مجلس شورایش تتأثر کودکان شده و دست‌های شیطانی غیرمردی که رأی فروشی و خیال و کالت در دماغ کوچک ملت پخته بودند، اینک عروسک‌های گوناگون به کرسی‌های نمایندگی بنشانند تا با رقص‌ها و سخنان شیرین کودکانه، دل ملت را به چنگ آورده و آنها را بخندانند و بر طبق میل اهریمنان رأی دهند و معاملات محکم ولو به نفع ملت هم باشد، بسته شود، از

ملکه

ملکه روایت زنبورهای است که نیش می‌زنند با آن که می‌دانند می‌میرند چرا که خانه از جان برای شان با ارزش تر است

جوایز در سیمین جشنواره‌ی فجر

ملکه در حالی که در جشنواره‌ی سی‌ام فجر با نامزدی در ۱۴ رشته رکورددار بود، تنها برنده‌ی سه

جایزه شد که به شرح زیر

است:

ملکه فیلمی به کارگردانی محمدعلی باشه آهنگر و نویسندگی محمدعلی باشه آهنگر و محمدرضا گوهری و تهیه‌کنندگی ابوالقاسم حسینی ساخته سال ۱۳۹۰ است

فیلم ملکه

به روایت داستان

دیدهبانی به

نام سیاوش

(با بازی میلاد

کی‌مرام)

می‌پردازد که

به دنبال فرصتی است تا

توانایی‌های خود را نشان دهد. او یک

برج پالایشگاه (پالایشگاه آبادان) را برای

دیدهبانی انتخاب می‌کند که بر حیاتی‌ترین

مختصات و جایگاه‌های دشمن احاطه

دارد. داشتن چنین دیدگاهی یک فرصت

طلایی برای جبهه خودی به وجود

می‌آورد، اما با اولین تلفاتی که از دشمن

می‌گیرد و ورود شخصیت خیالی داستان

(با بازی مصطفی زمانی) که جمشید

نام دارد، تردیدها آغاز می‌شود. به یکباره

این قدرت مطلق برای کشتن انسان‌ها برای

سیاوش ترسناک می‌شود.



- سیمرغ بلورین بهترین موسیقی (حسین علیزاده)
- سیمرغ بلورین بهترین طراحی و صحنه و لباس (عباس بلوندی)
- دیپلم افتخار بهترین جلوه‌های ویژه بصری رایانه‌ای (حسن ایزدی)
- جوایز در شانزدهمین جشن خانه سینما
- فیلم ملکه با دریافت ۱۱ تندیس از شانزدهمین جشن خانه سینما در سال ۱۳۹۳ خبرساز شد. جوایز فیلم ملکه به شرح زیر است:
- بهترین فیلم، به تهیه‌کنندگی سیدابوالقاسم حسینی
- بهترین کارگردانی: محمد علی باشه آهنگر
- بازیگر نقش اول مرد میلاد کی مرام
- نقش مکمل مرد حمید آذرنگ
- بهترین فیلمبرداری علیرضا زرین‌دست
- بهترین تدوین حمید باشه آهنگر
- بهترین طراحی صحنه عباس بلوندی
- بهترین صداپردازی عباس رستگارپور
- بهترین صداگذاری و میکس امیرحسین قاسمی
- بهترین جلوه‌های ویژه محسن روزبهانی
- بهترین جلوه‌های بصری سید حسن ایزدی
- جوایز در ششمین جشن منتقدان سینمای ایران
- ملکه در ششمین جشن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران نامزد دریافت ده جایزه، از جمله بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین فیلمنامه، بهترین فیلمبرداری، بهترین تدوین، بهترین بازیگران نقش اول و مکمل مرد، بهترین موسیقی و بهترین استانداردهای حرفه‌ای تهیه‌کنندگی شد و از آن میان برنده‌ی تندیس‌های زیر شد:
- دیپلم افتخار و تندیس بهترین کارگردانی برای محمدعلی باشه آهنگر
- دیپلم افتخار بهترین نقش مکمل مرد برای حمیدرضا آذرنگ
- دیپلم افتخار و تندیس بهترین فیلمبرداری برای علیرضا زرین‌دست
- دیپلم افتخار و تندیس بهترین موسیقی برای حسین علیزاده
- جایزه‌ی جشنواره مذهب امروز
- ملکه همچنین موفق شد دو جایزه را از جشنواره «مذهب امروز» در کشور ایتالیا دریافت کند. این جشنواره در ترنتو و چند شهر دیگر کشور ایتالیا برگزار شد.
- جایزه صلح و حقوق بشر فوروم حقوق بشر
- دیپلم افتخار هیئت داوران مسابقه بین‌الملل در بخشی از بیانیه‌ی هیئت داوران آمده‌است: «بازنمایی جنگ ایران - عراق در جای خود تصمیمی مهم و شجاعانه است. توان خلق تصاویری فراواقعی، گاه بامزه، اغلب غم‌انگیز و عمدتاً سرشار از تردیدی اخلاقی یکی از دستاوردهای اصلی فیلم است. به همین دلیل ما تصمیم گرفتیم لوح افتخار را به ملکه اهدا کنیم»
- جوایز در دوازدهمین جشنواره مقاومت
- ملکه در دوازدهمین جشنواره مقاومت در کرمان نامزد شش عنوان جایزه شد. این فیلم موفق به کسب جوایز زیر از این جشنواره شد:
- بهترین بازیگری مرد میلاد کی مرام
- بهترین جلوه‌های ویژه محسن روزبهانی
- جایزه ویژه هیئت داوران به علیرضا زرین‌دست برای فیلمبرداری فیلم ملکه
- تندیس بهترین فیلم سینمایی بین‌الملل

قاب باز

مريم حكمت پور
نجين علي نقيان

– جنگ بيولوژيك

– ادبيات دفاع مقدس



در بین جنگ‌افزارهای نوین، سلاح‌ها و فن‌آوری میکروبی بیش‌تر از سایرین مورد توجه تشکلهای تروریستی و تروریست دولتی ابرقدرت‌ها قرار گرفته است. شاید بتوان به جرأت گفت که سلاح‌های هسته‌ای دیگر یک خطر بالفعل نیستند و تنها یک قدرت بازدارنده بالقوه محسوب می‌شوند. کشورهای صاحب این سلاح‌ها هرگز نخواهند توانست به راحتی از آن‌ها بر علیه دشمنان خود استفاده نمایند زیرا تبعات بکارگیری چنین سلاح‌هایی آن‌چنان گسترده است که قسمت بزرگی از جهان را در بر خواهد گرفت. از سوی دیگر سلاح‌های شیمیایی نیز چندان گزینه مناسبی برای فعالیتهای تروریستی نیستند. مشکلات حمل، نگهداری و بکارگیری، نیمه عمر کوتاه، خطر نشت، تأثیر محدود و قابلیت ردیابی عامل ترور کننده باعث شده چندان مورد اقبال نباشد. از اینرو سلاح‌های میکروبی، چه در عرصه جنگی و چه در عرصه تروریستی، وسیله‌ای بسیار مطلوب برای دشمنان شده است. توان تولید بالا،

نگهداری راحت، قابلیت انتشار، قابلیت مصون سازی نیروی خودی، قابلیت تکثیر برای عوامل میکروبی زنده، دشواری بسیار در ردیابی فرد یا افراد متخاصم، گستردگی عمل کرد از انسان تا دام و محصولات کشاورزی و بسیاری ویژگیهای دیگر، موجب شده تشکلهای تروریستی به این فن‌آوری جدید بشدت کشش یابند. سلاح‌های میکروبی به‌خصوص در عرصه تروریسم دولتی و علیه ساختارهای صنعتی - کشاورزی در سالیان اخیر بسیار به کار رفته است اگرچه کشور هدف هرگز نتوانسته ادعای خود را علیه دشمنش به اثبات برساند. اروپا شیوع جنون گاوی را متوجه سازمان‌های جاسوسی آمریکا و استرالیا می‌داند که با هدف ضربه اقتصادی به صادرات گوشت اروپا انجام شده است. چین در شیوع سارس آمریکا را مقصر می‌داند که باعث شد این کشور در آستانه شکوفایی اقتصادی، سال‌ها از گردونه رقابت تولید ارزان قیمت - به واسطه تعطیلی کارخانه‌هایش عقب بیفتد. آن‌چه مسلم است آن است که هر روز بسیاری از مناطق جهان در معرض خطر یک حمله بیوتروریستی هستند. بدیهی است که نیروهای نظامی، تنها جمعیت در معرض خطر برای حملات بیولوژیک نیستند بلکه اقشار مختلف در معرض خطر بوده و به منظور دفاع در مقابل اثرات ناتوان کننده بالقوه یک حمله، نیازمند کسب آگاهی نسبت به اصول اساسی همه گیرشناسی عوامل مورد استفاده در جنگ بیولوژیک می‌باشند. طبق نظر کارشناسان سازمان بهداشت جهانی (W.H.O) در حال حاضر ۱۷ کشور جهان قابلیت تولید چنین موادی را دارند. تولید مواد

بیولوژیک بالنسبه ارزان بوده، به طوری که به عنوان بمب اتمی فقرا The Poor Man's Atom Bomb یا PMAB نامیده شده است. تولید، استفاده و انتشار یک سلاح بیولوژیکی بسیار ارزان‌تر از بمب اتم بوده و کم‌تر احساسات جهانیان را بر می‌انگیزد و البته استفاده از این سلاح‌ها تا حدودی برای تروریست‌ها بی‌خطر می‌باشد. معمولاً مشاهده پاتوژن‌ها و مقابله بر علیه آن‌ها مشکل است به عنوان مثال در صورت انتشار عامل اسهال در آب یک منطقه تا دوره کمون سپری شود و علائم بیماری ظاهر شود چند روز طول می‌کشد که فرصت مناسبی برای تروریست‌ها است تا به اهداف خود برسند. انتقال عوامل هم از کشوری به کشور دیگر به وسیله مسافرهای معمولی آسان به نظر می‌رسد به عنوان مثال قرار دادن پودر میکروب سیاه زخم در داخل کپسول به عنوان دارو و حمل آن به مناطق مورد نظر. این عوامل بیماری را از راه‌های مختلفی در جوامع هدف مورد استفاده قرار می‌گیرند. انتشار عوامل بیماری را در هوا، آب، مواد غذایی، انواع مواد کنسرو شده، اسباب بازی، لوازم آرایشی و بهداشتی، پاکت نامه، هدایای پستی، سیگار، شکلات، حشرات ناقل، خون و... سابقه داشته است (سایت اطلاع رسانی وزارت اطلاعات). برای مثال می‌توان به بیوتروریسم کشاورزی (اگروتوریسم) اشاره کرد که شامل استفاده از بیماری‌های حیوانی و گیاهی به منظور ایجاد آسیب و تخریب وسیع در بخش کشاورزی است که آسیب‌های اقتصادی، خطرات انسانی و حتی ایجاد

هراس در انسان‌ها را بدنبال خواهد داشت. به طور کلی هر عاملی که باعث تخریب اکوسیستم‌ها، کاهش تولید محصولات دامی و گیاهی، آلوده شدن محصولات آنها، پخش و شیوع عوامل بیماری‌زا توسط گیاهان و احشام و محصولات آنها بشود، امنیت زنجیره غذایی جامعه را به خطر انداخته و نوعی اقدام آگرو تروریستی محسوب می‌شود. یکی از مسائل مهمی که اخیراً در این ارتباط مطرح می‌باشد، بحث محصولات تراریخته است که در خصوص کشت و مصرف این محصولات در بسیاری از کشورهای جهان مخالفت‌ها و موافقت‌هایی از جانب پژوهشگران حوزه مهندسی ژنتیک کشاورزی وجود دارد. سه پیامد مهمی که احتمال می‌رود در پی مصرف محصولات تراریخته ایجاد شود عبارتست از تخریب محیط زیست، به خطر افتادن سلامتی انسان، و کشت و مصرف احتمالی این مواد و وابستگی به کشورهای استعماری تولید کننده و بدنبال آن فقدان استقلال ملی می‌باشد. در این راستا تقویت بخش تحقیقات بیوتکنولوژی کشور در زمینه فناوری تراریخته در جهت تولید بذر و سایر نهاده‌های محصولات تراریخته نظیر آفت کش‌ها و... می‌تواند صورت گیرد که این امر نگرانی‌های حاصل از آلودگی بذر وارداتی یا همان بحث بیوتروریسم را نیز مرتفع خواهد کرد. (صافی، ۱۳۹۸)

اقدام برای تدوین برنامه‌های جنگ بیولوژیکی که به عنوان تسلیحات کشتار جمعی محسوب می‌شوند، توسط دولت‌ها در قرن



BIOLOGICAL WARFARE

نقل از زارع بیدکی، ۱۳۹۵) بنابراین سلاحهای بیولوژیکی میکرو ارگانیسم هایی هستند که وارد بدن میزبان می شوند و آن را آلوده کرده و در آنجا رشد می کنند و باعث بیماری کشنده یا ناتوان ساختن آن می شوند. کومار و دیگران (۲۰۱۱، به نقل از زارع بیدکی، ۱۳۹۵) یکی از اهداف استفاده از سلاحهای بیولوژیکی در بیوتروریسم است. بر اساس تعریف پلیس بین الملل در سال ۲۰۰۷ بیوتروریسم عبارت است از منتشر کردن عوامل بیولوژیکی یا سمی با هدف کشتن یا آسیب رساندن به انسانها، حیوانات و گیاهان با قصد و نیت قبلی و به منظور وحشت آفرینی، تهدید و وادار ساختن یک دولت یا گروهی از مردم به انجام عملی یا برآورده کردن خواسته‌ای سیاسی یا اجتماعی.

تاریخچه جنگ‌های بیولوژیک:

جنگ‌های بیولوژیک را می‌توان به ۳ دوره تقسیم کرد:

بیستم آغاز شد و در طول جنگ جهانی اول و به ویژه جنگ جهانی دوم مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفت، هرچند بسیاری از این برنامه‌ها به دلایل مختلفی از جمله فشار کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیکی و سمی ۱۹۷۲ به مرحله عملیاتی شدن نرسیدند. بدلیل ماهیت تروریستی و مخفیانه این نوع جنگ، عموماً اثبات تأثیرات عامدانه و جنگ افزار بودن یک بحران یا بیماری، حتی با گذشت زمان، چندان ساده نیست، اما از سوی دیگر، وجود آن را به بهانه فقدان مستندات نمی‌توان نادیده گرفت. به طور کلی می‌توان گفت جنگ بیولوژیکی استفاده عامدانه از میکرو ارگانیسم‌ها و سمومی است که عموماً منشاء آنها میکروبی، گیاهی یا حیوانی است، به منظور ایجاد بیماری و مرگ در انسان‌ها، احشام و محصولات زراعی. داسیلوو (۱۹۹۹، به

دوران اولیه: استفاده کردن از مواد تولید شده توسط جانوران، گیاهان، باکتری‌ها، قارچ‌ها و ویروس‌ها بر علیه نیروهای انسانی و منابع غذایی سابقه‌ای هزاران ساله دارد. استفاده از سموم جانوری یا گیاهی برای سمی کردن سر تیرهای جنگی، استفاده از لاشه حیوانات مرده از طاعون برای شکستن مقاومت داخل قلعه‌ها، مسموم سازی فضای داخلی مقابر فرعون‌ها با هاگ قارچی کشنده و آلوده کردن منابع آبی شهرها از نمونه‌های باستانی بکارگیری سلاح‌های نامتعارف بیولوژیک است. مهم‌ترین حادثه‌ای که در تاریخ از این نوع به وقوع پیوست مربوط می‌شود به قوم تاتار که در سال ۱۳۴۶ میلادی در شهر کافا که هم‌اینک Feodissia نام دارد با پرتاب کردن اجساد مردگان ناشی از طاعون، توانستند مقاومت شهر را از بین ببرند. برخی از مورخان، علت پیدایش اپیدمی مشهور طاعون در اروپا را که حدود ۲۵ تا ۴۰ میلیون کشته به جای گذاشت، همین اقدام قوم تاتار می‌دانند. همچنین در سال ۱۷۶۷ میلادی در مبارزات بین نیروهای فرانسوی و بومیان (سرخپوستان) آمریکا، نیروهای انگلیسی پتوهای آلوده به ویروس آبله را در میان سرخپوستان پخش کردند که منجر به اپیدمی آبله و کشته شدن نود در صد از آنان شد. دوران نوین: در این دوره که تقریباً از سال ۱۹۰۰ میلادی آغاز می‌شود، دولت‌ها برنامه‌های جنگ بیولوژیکی خود را تنظیم کردند، سلاح‌های بیولوژیکی در جنگ جهانی اول و دوم استفاده

شد. علاوه بر این، در این دوره تلاش‌های اولیه‌ای برای کنترل کردن جنگ بیولوژیکی در "پروتکل ۱۹۲۵ ژنو" صورت گرفت که اساساً تولید و استفاده از سلاح‌های بیولوژیکی را ممنوع کرد. در شروع جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۱ هواپیماهای ژاپنی، کک‌های آلوده به طاعون را در قسمت‌هایی از چین پراکنده ساختند. هواپیماهای ژاپنی در هر مرحله ۱۵ میلیون کک را بر روی ۱۱ شهر چین اسپری نموده و اپیدمی طاعون بوقوع پیوست که بین سال‌های ۱۹۳۷ و ۱۹۴۷ با بیش از ۲۰۰۰ حمله، مرگ ۹۴۰۰۰ نفر بوقوع پیوست. تحقیقات جنگ بیولوژی در شوروی سابق منجر به یک برنامه تهاجمی سازمان یافته در سال ۱۹۲۸ شد که این کشور چند عامل بیماری‌زا مانند آنتراسیس B، بوتولیسم C و ... را به عنوان عوامل جنگ بیولوژیک مورد بررسی قرار دادند، در واقع برنامه شوروی حیوانات را هدف قرار می‌داد تا در زمان جنگ بر روی حرکت اسبها اثر بگذارد. آمریکاها نیز در این زمان با همکاری کشورهای انگلستان و کانادا تحقیقات وسیعی بر روی حداقل ۱۸ عامل بیولوژیکی موثر بر روی حیوانات و محصولات زراعی را انجام دادند و پایه‌های علمی جنگ بیولوژیک را برای سالهای جنگ سرد محکم کردند. کاروس (۲۰۱۷)، به نقل از زرگان و دهنوی، (۱۳۹۶)

دوران کنونی: پس از جنگ جهانی دوم، دنیا وارد مرحله جدیدی به نام جنگ سرد شد. از جمله فعالیت‌های جنگ بیولوژیک در این

مثلاً ۱۵ گرم از سم تولید شده توسط باکتری کلستری‌دیوم بوتولینوم می‌تواند تمام مردم جهان را به کام مرگ بکشد

۲- ویروالانس بالا یا توانایی ایجاد بیماری حاد که منجر به ناتوانی یا مرگ شود

۳- دوره کمون (فاصله زمانی بین آلودگی تا بروز علائم)، کوتاه و قابل پیش بینی باشد

۴- واگیری بیماری از فردی به فرد دیگر به منظور جلوگیری از اپیدمی غیر قابل کنترل

۵- درمان پزشکی معمولی نداشته باشد (نظیر واکسن، آنتی بیوتیک)

۶- آسانی انتقال و توانایی زنده ماندن و پایداری در فشارهای محیطی

تهدیدات امنیتی ناشی از بیوتروریسم

در یک تقسیم بندی کلی می توان اهداف مورد توجه بیوتروریسم را به صورت زیر در دو مقوله نظامی و غیر نظامی دسته بندی کرد

اهداف نظامی:

- ۱- ایجاد تلفات سریع در نیروهای نظامی
- ۲- بیمار نمودن و ایجاد معلولیت های جسمی نیروهای حریف به منظور کاهش کارایی آنها
- ۳- آلوده نمودن آب و مواد غذایی نیروهای نظامی
- ۴- ایجاد اختلال در اجرای ماموریت های یگان های نظامی
- ۵- ایجاد رعب و وحشت به منظور تضعیف کردن روحیه و کارایی نیروهای پشتیبانی

اهداف غیر نظامی:

- ۱- تلفات انسانی

دوره، می توان به پخش اسپور آنتراکس بوسیله بمبهای انفجاری در جزیره گرینارد در غرب اسکاتلند توسط کشور انگلستان اشاره کرد که تا سال ۲۰۰۰ میلادی در خاک این جزیره اسپور آنتراکس پیدا می شد. در بین سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰، کاربرد سلاح های بیوتروریستی به صورت پراکنده بود که از آنها می توان به استفاده شوروی از سم مهلک ترایکوتسن تی دو (باران زرد) علیه مجاهدین افغانی، استفاده آمریکا از عامل میکروبی تب خوک علیه انقلابیون کوبا، استفاده رژیم اشغالگر قدس از عامل بیولوژیکی علیه دختران خردسال فلسطینی در سال ۱۹۸۲ میلادی نام برد. در عراق نیز مشاهدات بدست آمده از جنگ هشت ساله ایران و عراق و جنگ اول خلیج فارس موید وجود تسلیحات بیولوژیکی و برنامه جنگ بیولوژیکی در این کشور است. از دیگر نمونه های حملات بیوتروریسمی در عصر کنونی ترور خالد مشعل از فرماندهان حماس توسط سازمان های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی که ناکام ماند و مرگ یاسر عرفات رهبر جنبش آزادیبخش فلسطین که گمان می رود موساد در ماجرای مرگ وی نقش داشته باشد. (زارع بیدکی، ۱۳۹۵)

ویژگی های عوامل بیولوژیک

ویژگی های مطلوب یک عامل بیولوژیک برای کاربرد نظامی عبارتست از:

- ۱- توانایی ایجاد عفونت با دوز کم :

۲- ایجاد آلودگی زیست محیطی و تغییر در اکوسیستم های طبیعی

۳- ناتوان سازی و معلول کردن نیروهای انسانی کارآمد

۴- مختل کردن نظام اجتماعی

۵- ایجاد رعب و وحشت گسترده (زرگان و دهنوی، ۱۳۹۶)

مدیریت بحران و اصول مبارزه با بیوتروریسم

مسئولین و مدیران نظامی کشور بایستی در قبال تهدیدات بیوتروریستی به چهار پرسش اصلی پاسخ دهند: **چه کسی، چه وقت، چطور و کجا** اقدام به چنین حمله‌ای می‌کند. دانستن پاسخ این چهار پرسش کادر دفاعی را پیشاپیش در برابر تهدیدات آماده می‌سازد و کمک می‌کند تا راه های نفوذ بسته شوند. در اینجا اصول پنجگانه‌ای را می‌توان برای چنین مبارزه‌ای تعریف نمود:

۱- **آگاهی:** دانش و آگاهی از روند پدیده بیوتروریسم، شناخت تهدیدات، راههای خطر و کلاً یافتن پاسخ چهار سؤال کلیدی فوق گام نخست چنین مبارزه‌ای است

۲- **آمادگی:** رسیدن به سطح مطلوبی از توانایی دفاعی با تمرینات و رزمایش‌ها، دستیابی به علوم جدید، دستیابی به فن‌آوری نوین تشخیص و دفاع و درمان، تهیه لوازم و ملزومات چنین جنگ مخفی و پنهانی، دومین گام مبارزه و دفاع خواهد بود.

۳- **مهارت:** اعتماد به نفس، غلبه بر ترس و مهارت در هدایت بحران به سمت عادی سازی

شرایط، سومین و مهم‌ترین گام می‌باشد

۴- **شک:** متولیان دفاعی کشوری که همواره در پنهان و آشکار مورد تهدیدات اجانب است، بایستی به هر پدیده‌ای حتی پدیده‌ای که در نگاه اول طبیعی جلوه می‌کند با نگاه شک بنگرند. چنین نگاه شک آلودی باعث می‌شود بسیاری از منافذ ورود دشمن شناخته شود و اصول ایمنی هرچه بیش تر رعایت گردد.

۵- **کتمان و رازداری:** وقتی نخستین هدف دشمن از حمله تروریستی ایجاد ترس در مردم عادی است، مهم‌ترین عمل کادر دفاعی آن خواهد بود که از انتشار خبر حمله و شایعه‌سازی در پیرامون آن خودداری نمایند. به‌خصوص کادر درمانی که با مصدومین چنین حمله‌ای روبرو هستند، از انتشار خبر حمله، بیان تعداد مصدومین، نوع بیماری، بزرگ‌نمایی واقعه نزد مردم عادی و بیان تشخیص‌ها و علائم بالینی و درمان‌ها در جرأید (در بیش‌تر موارد دشمن از طریق جرأید نتایج حمله خود را ارزیابی می‌کند به‌خصوص که خواسته باشد سلاحی جدید را بر مردم بیازماید) جداً باید پرهیز نمود.

پدافند غیر عامل و نقش آن به عنوان راه های مقابله با تهدیدات بیوتروریسم

تهدیدات سلاح های کشتار جمعی بخصوص عوامل بیولوژیک به عنوان تهدیدی جدی و قابل تامل است. متأسفانه با وجود معاهدات بین المللی منع توسعه و استفاده از این سلاح ها نه تنها شاهد توسعه تحقیقات در این زمینه

هستیم بلکه انواع جدید آن در جنگ‌ها به کار گرفته می‌شوند که بکارگیری جدیدترین آنها در عراق، افغانستان و غزه بوده است. کشور ما نیز به علل متعددی هدف این تهدید بوده است. از آنجایی که وقوع هر گونه اتفاق بیوتروریستی می‌تواند به یک بحران ملی تبدیل گردد، مقابله با این بحران نیز می‌بایست مطابق یک برنامه ملی انجام گیرد. پدافند غیر عامل به عنوان موثرترین و پایدارترین روش‌های دفاع در مقابل تهدیدات می‌تواند از بوجود آمدن این بحران جلوگیری و یا آثار مخرب ناشی از آن را کاهش دهد. اهمیت توجه به اقدامات پدافند غیر عامل در کشور در دوران دفاع مقدس، برای مسئولین کشور آشکار گردید، زیرا بدلیل نبود زیر ساختهای مناسب پدافند غیر عامل در کشور و شاید عدم پیش‌بینی حملات شیمیایی عراق به شهرها، این حملات صدمات گسترده‌ای را به نظامیان و مردم غیر نظامی حلبچه، سردشت و شهرهای حاشیه مناطق جنگی وارد نمود. اقدامات دفاع غیر عامل نقش موثر و اجتناب ناپذیری در هر یک از مولفه‌های امنیت ملی (حفظ جان مردم، حفظ تمامیت ارضی، حفظ سیستم اقتصادی و سیاسی و حفظ استقلال و حاکمیت کشور) ایفا می‌کند. خوشبختانه در کشور ما به ویژه در دهه گذشته این موضوع مورد توجه قرار گرفته و در قانون برنامه چهارم توسعه، یکی از محورهای اساسی موضوع امنیت ملی، بحث پدافند غیر عامل مطرح شده است. پدافند

غیر عامل ضمن توجه به اقدامات تخصصی مقابله با عوامل بیوتروریستی شامل: کشف و سنجش، رفع و دفع آلودگی و پیشگیری و درمان آسیب‌پذیری کشور از همه‌گیریهایی عمدی و یا طبیعی ناشی از عوامل بیماری‌زای زیستی را کاهش داده و با اجرای برخی اقدامات از جمله موارد زیر موفقیت حمله بیوتروریستی را در جامعه به حداقل خواهد رساند:

- ۱- غیر قابل نفوذ نمودن بخش داخلی ساختمان‌های مهم حکومتی و خودروهای اختصاصی مسئولان بلند پایه حکومتی نسبت به عوامل بیولوژیک و شناسایی سریع عوامل بیوتروریستی و پیش‌بینی تمهیدات رفع و دفع آلودگی از آنها
- ۲- پیش‌بینی تمهیدات لازم جهت شناسایی و رفع و دفع آلودگی سریع مرسولات پستی مشکوک به آلودگی به عوامل بیوتروریستی به ویژه در مراکز حساس دولتی
- ۳- فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی در زمینه بکارگیری اصول و ضوابط پدافند غیر عامل زیستی در بخش‌های دولتی و غیر دولتی
- ۴- دو یا چند منظوره کردن برخی از تاسیسات و شبکه‌های ارتباطی و مواصلاتی بویژه در مناطق حساس با تجهیز و غیر قابل نفوذ نمودن آن‌ها نسبت به عوامل بیولوژیک جهت حفاظت از پناه جویان در برابر حملات بیوتروریستی و امکان بهره‌گیری پدافندی از آنها
- ۵- ممانعت از ایجاد تاسیسات پرخطر زیستی در مراکز جمعیتی و پیش‌بینی تمهیدات ایمنی برای آن دسته از مراکز تحقیقاتی و

بیولوژی و ویروس شناسی با تجهیزات مدرن باید مهیا شود تا تهدید کنونی بتواند بستر پیشرفت برای آینده را فراهم سازد. خلاصه مطلب این که بیوتروریسم به عنوان یک تهدید سلامت و امنیت مردم بسیاری از کشور ها را نشانه رفته و با پیشرفت علم و فناوری، روز بروز ابعاد آن وسیع تر و خطرات ناشی از آن گسترده تر می شود. بدیهی است هر کشوری که برای مقابله با این تهدید راهبرد و برنامه عملیاتی مناسب داشته باشد متقابلاً در مقابل آن آسیب پذیری کمتری خواهد داشت. (زرگان و دهنوی، ۱۳۹۶)

آموزشی مرتبط با بهداشت و سلامت عمومی پدافند غیر عامل بدون نیاز به کاربرد تجهیزات و ابزار نظامی و از طریق انجام اقداماتی مانند: بهره مندی از ابزار، شرایط و عواملی همچون ساختمان سازی با معماری مناسب از جنبه دفاعی و امنیتی، درب ها و باز شوهای استاندارد، سیستم تهویه مجهز به فیلترهای رفع آلودگی میکروبی، مصون سازی، بهره مندی از تجهیزات و دستگاههای پیشرفته کشف، سنجش و شناسایی مواد رفع و دفع آلودگی عوامل بیولوژیک و استفاده برنامه ریزی شده از متخصصان دفاع بیولوژیک و دسترسی سریع به آزمایشگاه های مرجع تشخیص عوامل بیماریزا از جامعه هدف در مقابل عملیات بیوتروریستی حفاظت می نماید. در ارتباط با بیماری پاندمی کرونا تحلیل داده ها و فرضیات بدست آمده از منابع مختلف نشان می دهد که باید بصورت جدی بحث بیوتروریسم را در کنار سایر عوامل شیوع ویروس کرونا جدی گرفت. شرایط کشور ایران در چند سال اخیر، به هیچ وجه عادی نبوده و دولت آمریکا و متحدانش با ابزارهای مختلف تهاجمی سعی در تضعیف و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی داشته اند. تحریم غذا و دارو با هدف ایجاد بحران در شرایط فراگیری بیماریهای اپیدمیک، نمی تواند بدون هدف باشد. جمهوری اسلامی ایران با استفاده از تجربیات مبارزه با ویروس کرونا می تواند فرصتی ایجاد کند تا پایگاه اصلی مبارزه با تهدیدات بیوتروریسمی در منطقه باشد. زیرساختها و آزمایشگاههای

منابع:

- ۱- زارع بیدکی، مجید، (۱۳۹۵) بیوتروریسم و جنگ افزارهای بیولوژیک، از گذشته تا به امروز، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، شماره ۲۲،
- ۲- زرگان، جمیل، دهنوی، جلیل، (۱۳۹۶) تهدیدات امنیتی بیوتروریسم و راههای مقابله با آن با رویکرد پدافند غیر عامل، فصلنامه پژوهش های حفاظتی-امنیتی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۶
- ۳- صافی، یحیی، (۱۳۹۸) تحلیل محتوای دیدگاه پژوهشگران مراکز تحقیقات کشاورزی در خصوص کشت و مصرف محصولات تراریخته در ایران، مجله پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال دوازدهم، شماره ۴
- ۴- سایت اطلاع رسانی وزارت اطلاعات

<http://www.vaja.ir>

ادبیات داستانی دفاع مقدس، اقتباس از واقعیت

به دور از احساسات آنها را از تقدس‌گرایی مصون می‌دارد، تقدس‌گرایی‌ای که ممکن است فضای دوران دفاع مقدس را از واقعیت جامعه عینی دور کند و قهرمانان آن را به اسطوره‌هایی دست‌نیافتنی در گذشته‌ای مبهم و دور ذهن تبدیل نماید. به بیانی دیگر همین واقع‌گرایی می‌تواند این جریان را همچنان پویا و مستمر نگه دارد اما از طرفی ممکن است به دلیل دوری از فضای مرکزی با ارائه قضاوتی نادرست هرچند غیرعامدانه به تدریج این جریان ادبی را به ورطه نابودی و فراموشی کشد. یکی از فرصت‌هایی که در سالهای اخیر برای جریان ادبیات دفاع مقدس پدید آمده‌است و می‌تواند در تعدیل نگاه‌های نویسندگان نسل نو دفاع مقدس نقش داشته باشد، گرایش بازماندگان دوران دفاع مقدس به ثبت اتفاقات آن روزها در زندگی‌نامه

تقریباً با شروع حمله عراق به ایران، عرصه فرهنگی هم به اقتضای شرایط به بازتولید محتوای فرهنگی با مضمون دفاع مقدس روی آورد از جمله آغاز جریان داستان‌نویسی در ادبیات ایران بعد از انقلاب که این جریان تا عصر حاضر با وجود حدود گذشت سی سال از پایان جنگ همچنان ادامه دارد. به عبارتی می‌توان گفت فضای فرهنگی دوران دفاع مقدس تا همین زمان بستری جدید از مضامین برای اهالی قلم به وجود آورد. این فرصت به مانند هر تجربه نویی پس از گذشت سه دهه در کنار نقاط قوت با چالش‌هایی هم مواجه بوده‌است که می‌توان با فاصله گرفتن از فضای واقعی جنگ به آسیب‌شناسی آن پرداخت به ویژه امروزه که نسلی پا به عرصه نوشتن و ادبیات دفاع مقدس گذاشته‌اند که شاید ذهنیتی از دوران جنگ ندارند و یا دست کم تنها تصویری مبهم از آن روزگاران در ذهن آنها موجود است. این فاصله از بطن پدیده جنگ، شمشیری دو لبه است: ورود افرادی بدون پیش‌زمینه قبلی به این حوزه از طرفی می‌تواند باعث ایجاد نگاه‌های تازه در این جریان شود که با نگاهی واقع‌گرایانه و



ادبیات دفاع مقدس

ذهن را درگیر روابط محتوایی نماید و عمر تأثیر آن را پایدارتر کند. همراهی دو جریان قوی کنونی در صورتی که با مهارت و فنون درست امر اقتباس صورت گیرد می‌تواند با ایجاد شاخه‌ای نوپا در ادبیات داستانی دفاع مقدس، از

**به نظر می‌رسد آنچه
امروزه ورود نسل‌های
جدید به عرصه ادبیات
دفاع مقدس را تا
حدودی می‌تواند از
نقاط ضعفش دور نماید،
حلقه اتصال میان این
دو جریان است که تا
حدودی نادیده گرفته
شده است و آن ادبیات
اقتباسی است**

طرفی نه تنها به تداوم آن کمک کند بلکه طیف مخاطبان این نوع را نیز افزایش دهد.

یا خودزندگی نامه نویسی است. به طور کلی می‌توان گفت محتوای مکتوب در حوزه ادبیات داستانی دفاع مقدس یا در بستر فضایی تخیلی و داستان‌هایی سربرآورده از ذهن شکل می‌گیرد یا با تقریر جز به جز واقعیت از دریچه نگاه کسی که حوادث را خود تجربه کرده است. هر کدام از این گونه‌ها ارزش محتوایی خود را دارد یکی با بهره‌گیری از امکانات تخیل و لذت خوانش متن، مخاطب را بیش از پیش با محتوای ارائه شده همراه می‌کند او را درگیر موقعیتهای داستانی خود می‌کند و غیرمستقیم گفته‌های شنیده نشده از دوران دفاع مقدس را در ناخودآگاه خواننده ثبت می‌کند و دیگری مستقیم او را در بطن حادثه قرار می‌دهد و از طریق همزاد پنداری، امر واقع را در ذهنیت آگاه او پایدار می‌سازد. به نظر می‌رسد آنچه امروزه ورود نسل‌های جدید به عرصه ادبیات دفاع مقدس را تا حدودی می‌تواند از نقاط ضعفش دور نماید، حلقه اتصال میان این دو جریان است که تا حدودی نادیده گرفته شده است و آن ادبیات اقتباسی است. نوعی که می‌تواند با بهره‌گیری از واقعیات زندگی نامه‌ها و با به کارگیری ابزار ادبیات مبتنی بر تخیل، شکل جدیدی از روایت را پدید آورد که در آن نه تنها دوران جنگ به نزدیکترین شکل ممکن به واقعیتش به نمایش گذاشته می‌شود بلکه با پرداخت‌های ادبی و بالا بردن سطح التذاذ دراماتیک، تا مدتی حتی پس از خوانش کتاب

شبیه باران

اعظم سادات شیرازیها
نگین علی نقیان

- شهید مسعود سروش
- عملیات فتح المبین
- فرهنگ دفاع مقدس



- ولادت: ۱۳۳۴/۹/۲، استان خوزستان
- پذیرش در رشته: برنامه ریزی و کاربرد کامپیوتر
- شهادت: ۱۳۶۱/۱/۱۱، منطقه شوش، عملیات فتح المبین
- آرامگاه: تهران، بهشت زهرا، قطعه ۲۶، ردیف ۴۵، شماره ۸۴

زندگی نامه

شهید مسعود سروش در دوم آذر ۱۳۳۴ در شهر آبادان متولد شد. بسیار با استعداد بود و در دبیرستان گاهی در غیاب معلم تدریس می کرد. از همان زمان نوجوانی با تکلیف و تقلید آشنا شد و اولین رساله احکام شرعی را از یکی از دوستانش به امانت گرفت. روحی لطیف داشت و در محل زندگی به «علی خنده رو»^۱ معروف بود. هرگز از کنار هیچ کس بدون توجه عبور نمی کرد و به همین دلیل در مدرسه دوستانش مورد توجه و حمایت او بودند؛ به گونه ای که برای رفع مشکلات آنها با دقت و پشتکار و بی سر و صدا اقدام می کرد و محبوبیتش تا آن جا بود که در هجده سالگی دوستانش او را مرجع فکری خود می دانستند.

وی پس از پذیرش در رشته برنامه ریزی و کاربرد کامپیوتر دانشگاه شهید بهشتی به تهران آمد و به سرعت جزو فعالان دانشگاه گردید. در آن سال ها به دلیل تحرکات فوق العاده گروهک ها، مدت کوتاهی سرگرم شعارهای رنگین آنها شد، اما روح حق جو و نگاه دقیق او سبب شد که به تناقضات فکری آنها پی ببرد و از آن پس به جرگه دوست داران امام خمینی (ره) پیوست.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به سپاه پاسداران ملحق شد و در آن جا هم خوش درخشید؛ به همین دلیل تا زمان شهادت هیچ گاه نتوانست موافقت فرماندهی را برای حضور در جبهه به دست آورد و به ناچار در اسفند ۱۳۶۰ مرخصی گرفت و برای شرکت در عملیات فتح المبین به صورت ناشناس به منطقه رفت. در یازدهم فروردین ۱۳۶۱

۱- شهید مسعود را در منزل و محله «علی» صدا می کردند.

در منطقه شوش و عملیات فتح‌المبین همراه بیست نفر از اعضای گروه تخریب که در قطار به مقصد اهواز با آنها آشنا شده بود، مورد اصابت گلولهٔ تانک قرار گرفت و به شهادت رسید. او در اعمال و رفتار خود بسیار دقیق بود و احکام فقهی را بر اساس رسالهٔ امام خمینی (ره) می‌دانست و بدان عمل می‌کرد؛ به همین دلیل دوستانش پس از شهادت او نام «فرزند رساله» را بر وی گذاردند.

«تجاوز به نام آزادی» عنوان مقاله‌ای از شهید مسعود سروش است که مقارن با سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی نگاشته شده است. ارزش این مقاله در آن است که بدانیم گروهک‌ها با ترجمهٔ متون ایدئولوژی‌های غربی و شرقی، ادعاها و شعارهای رنگارنگ و دهان پرکن و فریب‌کارانه‌ای در دفاع از خلق در محیط دانشگاه‌ها مطرح می‌کردند و بر در و دیوارها می‌چسباندند. ضرورت افشای دروغ‌ها و ریاکاری‌های این گروهک‌ها نیاز به اطلاعات عمیق و وسیعی داشت که شهید سروش آن را با ایمان محکم خود به انقلاب اسلامی درآمیخت و گاه یک تنه در دانشگاه به مناظره و مبارزه با آنان می‌پرداخت؛ به گونه‌ای که گروهک‌ها پنهانی او را به ترور تهدید می‌کردند.

همه روزه اخبار و اطلاعات تلخی از انفجار بمب در بازار آبادان، خرمشهر، خطوط راه‌آهن، خطوط لوله‌های انتقال نفت، ناامنی در جاده‌های کشور و حمله به مسافران در جاده‌های جنگلی شمال و غارت آنان، ترور مردم کوچه و خیابان تنها به دلیل داشتن ریش و یا ظاهر حزب‌اللهی و ترور شخصیت‌های روحانی و سیاسی در خیابان‌های تهران و سراسر کشور و نیز ترور جوانان بازگشته از جبهه منتشر می‌شد. در تمام این مدت هرگاه مردم اندیشمندان، سیاستمداران، روحانیان و دانشجویان کم‌ترین اعتراضی به وضعیت گروهک‌ها در دانشگاه‌ها می‌کردند، داد آنان به آسمان بر می‌خواست؛ که ای داد و ای بی‌داد که رژیم در صدد سرکوب جنبش‌های خلقی و دانشجویی برآمده و ای وا آزادیاء...

شهید سروش در مقالهٔ خود می‌گوید: آزادی، مفهومی است که وجودش از عدم آن شکل می‌گیرد و اصولاً یک حالت یا وضعیت مستقل برای وجود آن متصور نیست و مفهومی است که مستلزم در بند بودن است. آن‌چه به آزادی وجود می‌بخشد، همان تعهد است. با توجه به وضعیت بسیار حساس مملکت ما بسیاری از تجاوزها ممکن است به نام آزادی رخ دهد که در صورت جلوگیری از آنها طبیعی‌ترین عکس‌العمل عاملان آنها، ادعای وجود سانسور است. در این میان گروهی به خیال خود مصلح، سعی می‌کنند منافع خود را با منافع مردم پیوند زده و مردم ساده‌دلی را که خواهان آزادی هستند، در این تجاوز به نام آزادی به دنبال خود بکشند و البته چه ساده موفق می‌شوند، بعضی ارگان‌های مطبوعاتی ما را نیز به دنبال خود بکشانند.

یکی از بزرگ‌ترین محرک‌های یک ملت در یک انقلاب، فقر یا فشارهای اقتصادی است، اما در یک انقلاب زمانی که مردم قوانین اجتماعی موجودشان را نفی می‌کنند، خواهان پیش کشیدن قوانین تازه‌ای می‌شوند که یکی از شرایط پیروزی یک انقلاب، وحدت خواستهٔ مردم در مورد قوانین تازه است. آن‌چه که وجههٔ یک انقلاب را روشن می‌سازد، همان قوانین تازه است؛ بنابراین مطرح کردن انقلاب به صورت مثلاً انقلاب ضد امپریالیستی

مستلزم آن است که چشم‌هایمان را به روی بسیاری از واقعیات ببندیم. مثلاً کسانی که مردم را فقط خواستار دموکراسی می‌دانند، آن را انقلاب دموکراتیک می‌خوانند؛ ولی در این جا باید به این نکته توجه کرد که مردم ما واقعاً چه می‌خواهند و آن را چگونه می‌خواهند، واضح است که خواسته مردم عدالت است و آن را به صورت اسلام می‌خواهند.

فراری از وصیت نامه

خدایا! تو را شکر می‌گویم که مرا از قعر ضلالت و گمراهی بیرون آوردی و با جهاد در راه خودت آشنا نمودی و اکنون که به لطف بی‌پایانت، این توانایی را به دست آورده‌ام که نفس اماره را زیر پا نهاده و این راه را آغاز کنم، از تو می‌خواهم به من آن چنان خلوصی عطا کنی که دیگر از این راه بازنگردم.

پدر و مادر عزیزم! من از شما سپاس گزارم که طرفدار حق بودن را از شما آموختم و از شما تشکر می‌کنم که مرا به گونه‌ای پروراندید که طرفدار حق باشم و امیدوارم اجر شما را خدا در بهشت عطا فرماید.

همسر مهربانم! امیدوارم خدا از تو راضی باشد که من از تو بسیار راضی بودم و اگر رحمت الهی شامل حال این مخلوق شد و شهادت نصیبم گشت، در بهشت منتظر تو خواهم بود. گرچه مدت زندگی مشترک ما کوتاه بود (یک سال)، ولی تو آن قدر مهربان بودی که به اندازه عمری محبت و صفا از تو در دل دارم. امیدوارم خدا تو را بیامرزد و مرا ببخشد اگر گاهی تو را رنجانده‌ام.

برادر عزیزم! من خدا را شکر می‌کنم که در عصری زندگی می‌کنیم که انقلاب اسلامی چون خورشیدی همه چیز را برای ما روشن کرد و شکر این نعمت را بایستی با جان‌فشانی بیش‌تر در راه انقلاب به جای آورد.

خواهران عزیزم! زیبایی‌های دنیای فانی شما را غافل نکند که در آن دنیا پشیمانی سودی ندارد؛ غفلت از آخرت به مراتب از این غفلت‌ها شدیدتر و پشیمانی آن نیز رنج‌آورتر است.

اگر نوشته‌ای به یادم خواستید بنویسید، هیچ غلو نکنید؛ بنویسید: بنده سراپا تقصیر که رحمت الهی شامل حال او گشت و شهید شد.



در آستانه عملیات:

در آستانه عملیات فتح‌المبین، روند تحولات سیاسی کشور رو به بهبود نهاد و کاملاً با اوضاع عملیات ثامن‌الائمه (ع) تفاوت داشت؛ منافقین در اثر ضربات پی در پی، بدنه و بخشی از کادر مرکزی خود را از دست داده و سایر گروه‌های ضدانقلاب نیز که تلاش همه جانبه‌ای را برای در دست گرفتن قدرت آغاز کرده بودند، عملاً از پای درآمدند. روند تحولات نظامی نیز با توجه به وضعیت رو به اضمحلال دشمن پس از عملیات طریق‌القدس و شکست در تنگه چزابه، به سود ایران تغییر کرده بود. عراقی‌ها با نگرانی از روند موجود، پیشنهاد مخفیانه‌ای برای پایان جنگ ارائه کردند.

عملیات فتح‌المبین از عملیات‌های نظامی نیروهای مسلح ایران، بر علیه نیروهای ارتش عراق، در خلال جنگ ایران و عراق بود، که در فروردین ۱۳۶۱ با تلفات بالای انسانی پس از ۷ روز نبرد سنگین و با پیروزی قاطع نیروهای ایرانی و عقب‌نشینی ارتش عراق از سرزمین‌های اشغال‌شده، به پایان رسید.

این عملیات در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد روز دوشنبه ۲ فروردین ۱۳۶۱ در جبهه جنوبی، در منطقه غرب شهرهای شوش و دهلران با وسعت حدود ۲۰۵۰۰ کیلومتر مربع در استان خوزستان انجام شد. طرح‌ریزی عملیات فتح‌المبین از اواسط آبان ۱۳۶۰ آغاز شده بود.

بسیاری بر این باورند که این عملیات نقطه عطف جنگ ایران و عراق است، که در نهایت منجر به بیرون راندن نیروهای عراقی از بخش بزرگی از خاک خوزستان شد. هر چند برخی دیگر از مفسران جنگ، عملیات بیت‌المقدس را تعیین‌کننده‌ترین عملیات در طول جنگ ایران و عراق می‌دانند. در مجموع عملیات فتح‌المبین باعث آزادسازی

۲۰۴۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین‌های اشغالی، شامل ده‌ها بخش و روستا و نیز چندین جاده ارتباطی مهم در استان خوزستان شد، همچنین شهرهای دزفول، شوش، دهلران، اندیمشک و پایگاه هوایی دزفول نیز، از دید و تیر مؤثر ارتش عراق خارج گردید.

تقاضای برقراری صلح (!) که رژیم بعث از مدت‌ها قبل برای نجات خود ابراز کرده بود، با شروع عملیات فتح‌المبین و بروز آثار پیروزی رزمندگان، مجدداً مطرح شد، متعاقب آن، برای نجات صدام و توقف جنگ، تلاش‌های وسیعی از سوی کمیته منتخب کنفرانس کشورهای غیرمتعهد، کمیته حسن نیت کنفرانس

مهندسی:

واحدهای مهندسی جهاد سازندگی، ارتش و سپاه به طور ادغامی وارد عمل شدند و جهاد سازندگی در این راستا از کارآیی بالایی برخوردار بود. فعالیتهای مهندسی در امر راهسازی، احداث خاکریز و مواضع پیش از عملیات آغاز شد و نقش بسزایی در پیشبرد اهداف رزمندگان ایفا کرد.

برای نمونه، کار سخت و دشوار واحدهای مهندسی در محور میشداغ که به رغم کمبودهای زیاد، با تلاش شبانه‌روزی به مدت یک ماه صورت گرفت، به شکافته شدن تنگه ذلیجان و احداث جاده برای عبور رزمندگان در این منطقه منجر شد.

سازمان رزم سپاه:

سپاه پاسداران که مسؤلیت فرماندهی و هدایت بسیج را نیز بر عهده داشت، به مرور زمان و متناسب با نیازهای جبهه، سازمان خود را از نظر کمی و کیفی گسترش داد. سیستم اداره جنگ مردمی در عملیاتیهای ثامن الائمه و طریق‌القدس به صورت ابتدایی شکل گرفت و در عملیات فتح‌المبین، با تغییرات عمده‌ای گسترش یافت. در این عملیات سپاه به طور چشم‌گیری سازمان خود را گسترش داد به گونه‌ای که ۱۲ تیپ را آماده و به میدان وارد کرد در حالی که در عملیات طریق‌القدس تنها چهار تیپ وارد عمل شده بودند. همچنین در این عملیات سپاه، برای نخستین بار، فرماندهی مشترک از بالاترین رده فرماندهی تا پایین‌ترین واحدهای رزمی به کار گرفته شد. ادغام نیروها از رزمندگان تا رده فرماندهان و تشکیل قرارگاه‌های مشترک در وضع مطلوبی به اجرا درآمد. کامل کردن نقاط قوت و ضعف نیروها از سوی یکدیگر نکته مهم در این ادغام بود.

اسلامی، کمیته کنفرانس اسلامی جهان اسلام و نیز تنی چند از شخصیت‌های سیاسی - مذهبی جهان اسلام صورت گرفت.

نکته‌هایی درباره عملیات:

طراحی عملیات فتح‌المبین از جمله ابتکارات و نوآوری‌های رزمندگان در این مقطع محسوب می‌شود. در طراحی این عملیات، عوامل متعددی دخالت داشتند. چگونگی آرایش و گسترش دشمن در منطقه عمده‌ترین شاخص تعیین کننده بود. ارتش عراق به هنگام ورود به خاک ایران به دلیل دست نیافتن به اهداف از پیش تعیین شده، به اجبار خطوط پدافندی نامناسبی داشت، طوری که خطوط یاد شده ضمن جناح دادن به نیروهای اسلام عقبه یگانها را نیز در دسترس رزمندگان قرار می‌داد. بر این اساس طراحان عملیات ضمن بهره‌گیری از نقاط ضعف دشمن، عمده فلش های اصلی عملیات را بر جناح‌های خطوط دشمن ترسیم کردند و دستیابی به عقبه آنان را به عنوان هدف برگزیدند. توجه به این امر موجب شد تا در نخستین مراحل عملیات به دلیل سقوط تعدادی از عقبه یگانها، جبهه دشمن متزلزل شود و در نتیجه، رزمندگان اسلام با سرعت بیشتر به اهداف خود دست یابند.

اجرای پی در پی مراحل عملیات از دیگر ویژگی‌های این عملیات بود؛ هرگونه تاخیر در اجرای مرحله دوم می‌توانست علاوه بر از دست دادن نتایج و دستاوردهای مرحله اول، عملیات را ناکام بگذارد، اما اجرای مرحله دوم عملیات و تصرف تنگه رقابیه، منجر به تزلزل و فروپاشی نیروهای دشمن و در نتیجه، فرار آنها به علت ترس از اسارت و انهدام شد.

حضور مردم:

خود، پس از ناکامی و شکست، می‌بایست تمامی توان و استعداد خود را در مواضع پدافندی به صورت ناکافی گسترش دهد. این امر، موجب گردید که دشمن، فاقد نیروی احتیاط کارآمد بوده و در مواقع ضروری عکس‌العمل مناسبی را در برابر حملات رزمندگان اسلام از خود بروز ندهد.

سازمان رزم دشمن، متعاقب سلسله عملیات رزمندگان اسلام، از هم گسیخت، تا آنجا که در عملیات ثامن‌الائمه، لشکر ۳ زرهی و یگان‌های تحت امر آن، که پس از اشغال خرمشهر و محاصره آبادان، در منطقه استقرار داشتند، در معرض تهاجم و انهدام قرار گرفتند. در عملیات طریق‌القدس، باقی مانده لشکر ۹ زرهی از بین رفت و همچنین، تیپ ۲۶ زرهی و چندین یگان دیگر، منهدم شدند. در عملیات فتح‌المبین، علاوه بر لشکرهای ۱۰ زرهی و ۱ مکانیزه، نیروهای موجود در منطقه، به همراه سایر نیروهایی که دشمن از سایر مناطق جمع کرده و به منطقه اعزام نموده بود، منهدم شدند. در مجموع، تا قبل از عملیات بیت‌المقدس، انهدام وسیعی از نیروها و تجهیزات دشمن صورت گرفت و تعداد بسیاری از نیروهایش اسیر شدند و امکانات زیادی به غنیمت گرفته شد.

در سندی که در این عملیات از دشمن به دست آمده درباره شیوه رزم نیروهای خودی به نکات مهمی اشاره شده است. در قسمتی از این سند، که به لشکر ۵ مکانیزه مربوط است و امضای سرتیپ ماهر عبدالرشید در زیر آن می‌باشد، آمده است:

روش جنگ دشمن (ایرانی) در آخرین نبردش در منطقه استحفاظی سپاه ۴ (شوش و دزفول) ویژگی‌های زیر را داشت:

۱- نیروهای پیاده دشمن (ایرانی)، چه از نظر اعتماد و

همچنین، در این عملیات، مردم به طور بی‌سابقه و گسترده‌ای حضور یافتند و معنویت عمیقی بر جبهه‌ها حاکم بود. حضور غیرقابل انتظار نیروهای بسیجی را باید یکی از دلایل گسترش کیفی و کمی نیروهای رزم سپاه در این عملیات دانست.

بیمارستان صحرائی:

در این عملیات، برای نخستین بار در جریان جنگ تحمیلی، بیمارستان صحرائی مجهز به اطلاق عمل به کار گرفته شد و بدین ترتیب با اقدامات و پیگیری‌های اولیه در این بیمارستانها مجروحان زیادی از خطر مرگ نجات یافتند.

مشکلات دشمن:

نیروهای دشمن پس از یک سال و اندی استقرار در مواضع دفاعی، در برابر تحقق «استراتژی بزرگ نظامی جمهوری اسلامی» که در مناطق مختلف به مرحله اجرا گذارده می‌شد، «سازمان و کنترل فرماندهی» خود را از دست دادند، در نتیجه، علی‌رغم داشتن نیرو، تجهیزات و امکانات مناسب در مناطق مختلف عملیاتی، به علت استیصال روحی قادر به بهره‌گیری از استعداد موجود خود نبودند. در این میان، ضعف روحی و درماندگی نیروهای دشمن به گونه‌ای افزایش یافته بود که آنها حتی در مواقع پانک، بلافاصله پس از مواجهه با عکس‌العمل رزمندگان اسلام، به فرار و عقب‌نشینی و یا تسلیم مبادرت می‌کردند.

از مشکلات دیگر دشمن در این مرحله از جنگ، نداشتن نیروی احتیاط بود. دشمن به خاطر انتخاب اهداف وسیع و نیز تعیین مأموریت برای کلیه یگان‌های

شجاعان نبرد در میدان کارزار و مجاهدان با نفس در شب‌های نورانی را در دامن پاکشان تربیت نمودند. مژده باد بر شما جوانان برومند، در تحصیل رضای پروردگار که از بالاترین سنگرهای روحانی و معنوی است. شما در دو سنگر روحانی و جسمانی، ظاهری و باطنی پیروزید.

مبارک باد بر بقیه‌الله (ارواحنا له الفداء) وجود چنین رزمندگان ارزشمند و مجاهدان فی سبیل‌الله که آبروی اسلام را حفظ و ملت ایران را رو سفید و مجاهدان راه خدا را سرافراز نمودید. ملت بزرگ ایران و فرزندان اسلام به شما سلحشوران افتخار می‌کنند.

آفرین بر شما که میهن خود را بر بال فرشتگان نشانیدید و در میان ملل جهان سرافراز نمودید. مبارک باد بر ملت، چنین جوانان رزمنده‌ای و بر شما چنین ملت قدردانی که به مجرد فتح و پیروزی توسط رزمندگان به دعا و شادی برخاستید. اینجانب دو دست و بازوی قدرتمند شما را که دست خداوند بالای آن است، می‌بوسم و به این بوسه افتخار می‌کنم... یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً»

روح الله الموسوی الخمینی

منابع

Avini.com
defamoghaddas.ir

چه از نظر کثرت نیروها رکن اساسی عملیات بودند و دشمن پس از اطمینان از پیروزی محدود، نیروی زرهی خود را وارد عمل کرد.

۲- دشمن با نیروی اصلی خود به دو جناح نیروهای ما هجوم آورد و جبهه را با نیروی کمتری تامین کرد.

۳- دشمن در حملات خود، به هجوم شبانه و نخستین ساعت‌های شب تکیه داشت.

۴- هدف دشمن در عملیات هجومی، رسیدن به قرارگاه یگانها و ستادها و مواضع توپخانه بود تا بدین ترتیب، تشکیلات فرماندهی و مراکز پشتیبانی آتش را فلج کند.

۵- دشمن همچون گذشته با اجرای آتش تهیه، به حمله اقدام نمی‌کند، بلکه از آتش سنگین توپخانه و موثر خود در عملیات استفاده می‌کند.

۶- نیروهای هوایی و هوانیروز دشمن هنوز موفق نشده‌اند به برتری هوایی نسبت به نیروهای خودی دست یابند، اما در این عملیات، فعالیت بیشتری از خود نشان داده‌اند.

امام خمینی، فرمانده کل قوا، که با اهتمام خاص به حوادث جنگ عنایت دارند، عملیات را از طریق فرماندهان عالی جنگ تعقیب و هدایت می‌نمایند. در یکی از شب‌های عملیاتی پیامی توسط فرمانده کل سپاه، برای رزمندگان مستقر در منطقه عملیاتی فتح‌المبین ارسال نموده و برای آنان دعا و آرزوی موفقیت می‌کنند. رزمندگان اسلام با دریافت پیام امام، جانی دوباره گرفته و با روحیه‌ای عالی به دشمن متجاوز حمله می‌کنند.

قلم قاصر است که احساسات خویش را ابراز کنم... رحمت واسعه خداوند بر آن مادران و پدرانی که شما

دفعه مقدس

فرهنگ لغت

بیت التقوا

و به مرخصی نمی‌رفتیم.

به مخلص‌ها یکی اضافه شدن

به نماز شب خوان‌ها یکی اضافه شد! وقتی کسی شبی بیدار می‌شد و می‌خواست نماز بخواند، اما آب خوردن را بهانه می‌کرد، افرادی که تصادفاً او را دیده بودند، صبح فردا به او اشاره کرده، می‌گفتند: «یکی به مخلص‌ها اضافه شد»

سنگرهای کمین و بسیار حساس و خطرناک، جایی که می‌شد علم و ایمان و عشق و ارادت و ادعای بندگی و سرسپردگی و ایثار و استقامت خود را به دقت در آن اندازه‌گیری کرد، همه‌ی اندوخته‌ها را کشید و وزن نمود، با سنگ جهاد و تقوی. گاهی این تعبیر را برای حسینی به کار می‌بردند

بالا بالاها شوت زدن

اهل عرفان بودن و معنویت در حد بالا داشتن. کسی که هر جا وارد می‌شد، حاضرین با پوتین دنبالش می‌کردند که بلند شو برو سنگر خودت تا به هوای تو یک خمپاره نیامده و به حسابت چک شهادت نکشیده‌اند و ما را هم با خودت به اجباری نبرده‌ای!

پرچم

شام شبی که تشکیل شده بود از: «خیار و پنیر و گوجه‌فرنگی» که به خاطر شباهت رنگ آن به سه رنگ پرچم ایران (سبز و سفید و قرمز) معروف به غذای پرچم بود

پارتنی کلفت

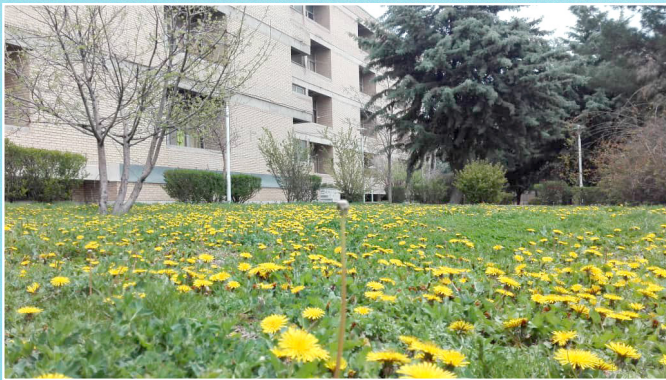
اول عملیات شهید شدن، و یا به سختی مجروح شدن. از آن‌جا که بچه‌ها قبول قربانی را از ناحیه‌ی حق تعالی مشروط به اخلاص می‌دانستند و جراحت و شهادت را نوعی پذیرفتن و جلب رضایت او، وقتی عده‌ای به یکی از این دو توفیق می‌رسیدند، می‌گفتند پارتی‌شان کلفت

بزمنده

نیرویی که مدتی در منطقه مانده، اما عملیاتی نشده بود و به محض این‌که پایش را از خط بیرون گذاشته و به مرخصی می‌رفت، در آن محور عملیات می‌شد. در واقع او که از قافله‌ی عشق جا مانده بود، خودش را «بازمانده» یا «بزمنده» می‌دانست و مرتب خود را ملامت می‌کرد که ای کاش قلم پایم می‌شکست



هنوز قصه یجرکه و دلستانم
به سر زلفت و به پیایم رسیدم



 shahed.sbu
 shahed83@sbu.ac.ir

